

به فصاحت دیگران نشان وجود قلوبی است که شخص باید
 تشخیص شخصیتش تنها قلوب او است، فوقی دارد، بگرای نیست
 دست و پا می و می پاشی در برابر داور می قلوبی که مثل با
 قرار گیرد بگرای می شود، اما این بگرای با احساس می
 می لرزد، درست است هر کسی از اینکه کارش مورد دوری دیگران
 میرخان تا ز کار و اجناس بد دست و دلشان پیش و بر استار
 همکاران میرخم و نوبسته خود را می لرزاند و قیظ نوبسته کاران و
 چنین همیشگی می شوی، قیظ و بر استار بد دست و دل
 بد تا نوبسته شان را می جورند و قیظ نوبسته کاران همیشگی قیظ
 می شود و یاد به غیب می اندازد، اما باید گفت که قیظ همیشگی
 این حالت تعجب و بهت زدگی همکاران میرخم و نوبسته خود کرده
 می اعتباری و تحقیر آدمهای عادی می شود و با زار ربنده می شود، از
 بدشان نمی آید: هر قدر که بر استار از آن بر خورد می آید
 بستن و بعضی از بر استار هم هستند که از این طریق قیظ
 هم به طور بطری به او ارزانی شده و قابل اموری و اعتبار
 خورد «تا نوبسته اش را می جورند» یعنی تا نوبسته اش را می جورند
 به عبارت دیگر، بر استار در نظر این گونه آدمها مثل همیشگی
 نمی دهد، و اجناس این شکرها و قیظ اصلا موجودی نیست
 استادی که شکرها کار و قیظهای کاره را به هیچ کسی یاد
 خلا می بخشند و بر استار هم استاد این کاره است و آن هم
 بویته ای نمی رنگی یا زخمه ای کم رنگی را آب و رنگ و خلوه
 می کند، در نظر ایشان، و برایش یک نوع جمل رنگی است که
 ترس و احتیاطی که انسان در برابر یک موجود مافوق طبیعی حس
 احساس است به بر استار امیزه ای است از ترس و احتیاط
 چند بار آن هم به مدتی کوتاه با یک بر استار افتاده باشد
 و بر استار را از زبان دیگران شنیده باشند، یا سروکارشان قیظ
 بخصوص اگر دستی از دور برایش داشته باشند و وصف و برایش
 ندارند، بر عکس، آدمهایی که به نوعی با کار سر کار دارند
 دیگری مردم شیل اسم و رسم دار (و همچنین تا نوبسته دار) و مقبول
 آدمها احساس یک نوع قیظ و سرکشگی می کند که چرا مثل
 سوال کننده رویشان نمی کند، بخت یا بد، اجناس و بر استار پیش این
 طرف یا سوالهای می در می او، که سرانجام قیظ خجری را برای
 خود را خجری دیگری عنوان کند تا از دست می اعتباری تحقیر امیز
 و چه بسا بر استار بخاره تا چاره شود پیش این نوع آدمها شیل
 ندارند، مردم عادی می شود و با زار، قیظ همی صورتی از این عنوان ندارند
 عجب و غریب و ناشناخته است، کسانی که با کار سر کار
 کار بر استاری، مثل بر استار، برای بسیاری یک چیز

حسن مصروفی مدانی

تفاوتهای و پر استاری

